

م. ع. اطرافي

خط تحميلي ديورند و استفاده هاي سياسي از آن !

در اين روزها بارديگر سروصداهاي خط ديورند حسب معمول گذشته ها بالا گرفته و درگرد همايي ها، جلسات و رسانه هاي الكترونيكي مطالب و اخباري به نشر ميرسد كه در باره خط ديورند و داعيه لوي افغانستان صحبت ها و تبليغات آغاز شده است. بياييد كه اين صداها را لبك گفته در اين امر ملي نقش مان را ايفاء كنيم . اينبار بايد پخته و استوار گام برداريم، تجارب خام گذشته ها را تكرر نكنيم و سرمايه هاي هنگفت كشور خود را بي جهت بمصرف نرسانيم. بنا بر اين لازم است اول خودها را آگاه بسازيم كه خط ديورند به چه منظور كشيده شده ؟ و تاحال كه مدت شصت و سه سال از استقلال و آزادي هند و تولد پاكستان ميگذرد، افغانستان نتواسته است اين موضوع بزرگ ملي را حل نمايد؟ علت و سبب آن چه بوده است؟

نظر به سوابق تاريخي، خط ديورند در اثر سازش امپراتوري استعماري انگليس و امير عبدالرحمن خان مغاير خواست، اراده و آراء مردم دوطرف خط ديورند كشيده شده است، كه هر دو جانب معامله از آن استفاده هاي خاص سياسي و نظامي كردند. استعمار انگليس افغانستان را به يك كشور محاط به خشكه تبديل و به محاصره اقتصادي كشانيد. بعداً دولت نام نهاد دست نشانده خودش را در قلمروهاي اشغال شده افغانستان و هندوستان نصب كرد و نام آنرا پاكستان گذاشت. و چنان دشمني هاي ارضي را در اين منطقه آسيا (مطابق فلسفه تفرقه بينداز و حكومت كن) ايجاد كرد تا نفوذ و منافع ستراتژيك خودش را براي هميش در اين منطقه محفوظ داشته باشد. امير عبدالرحمن خان هم كمك هاي پولي (سبسايدي) بيشتر و سلاح حربي را از انگليسها دريافت كرد و مخالفين داخلي خود را سركوب و سلطه خانداني خود را در دستگاه و حاكميت دولتي افغانستان مستقر و نهادينه ساخت. از آن تاريخ تا بحال از جانب دولت هاي مختلف وقت افغانستان با خط ديورند و داعيه پشتونستان برخورد هاي متفاوت صورت گرفته، گاهي گرم و گاهي سرد به آن

برخورد شده است. در فرصت های مساعد گوش ها کر شده و چشم ها نا بینا گشته و آهسته آهسته داعیه مذکور به سردی گراییده است. در این دوره ۶۳ سال چندین بار شرایط مساعد بوجود آمد و فرصت های مناسب مهیا گردید. اگر دولت های وقت افغانستان میخواستند که موضوع خط دیورند، سرنوشت پشتونستان و بلوچستان و راه بحری افغانستان را حل و فصل میکردند به آسانی میتوانستند به این اهداف نایل گردند. اما با تأسف که از خط دیورند صرف در معاملات و بهره برداری های سیاسی استفاده شد. زمانیکه فرصت ها از دست رفت بار دیگر دُهل و سُرنی ها به نواختن آغاز کرد، بازار ملی گراها و داعیه خط دیورند و پشتونستان دوباره گرمتر شده رفت. محافل و جشن ها گرفته شد پول های زیاد بمصرف رسید. اما با همه این تلاش ها هیچ نتیجه دلخواه و مثبتی بدست نیامد. بعد از سقوط دولت دکتور نجیب اله موضوع خط دیورند و پشتونستان به فراموشی سپرده شد. حال که پروژه تروریزم دیگرکهنه، افشاء و درجهان به کلی بی اعتبار شده و همه مردم جهان همه چیزها را میدانند، اتباع کشورهای خارجی که در افغانستان حضور نظامی دارند در ادامه جنگ با تروریزم شاکي و ناراض هستند، بالایی دولت های شان فشار وارد میکنند که عساکر شانرا از افغانستان خارج سازند. بنابراین نیاز به پروژه دیگری دیده میشود تا تضاد ها در افغانستان و منطقه را بحرانی نگه داشته و بهانه برای ادامه حضور نظامی قوای خارجی در افغانستان پیدا شود. **خارجی ها**

بخصوص استعمار انگلیس خوب میدانند که افغانها در دو موضوع دین و تمامیت ارضی کشور بسیار حساس هستند و در اینباره زود احساساتی، برافروخته، تحریک و متحد میشوند. و عکس العمل از خود نشان میدهند. افغانها بیش از سه دهه تحت شعار دین و شریعت بدون هیچ دست آوردی، قربانی ها و تلفات عظیم انسانی را متحمل شدند و کشور خود را به ویرانه تبدیل کردند. حال باید يك یا دو دهه دیگر تحت شعار تمامیت ارضی بجنگند و تلفات بدهند.

آیا ما افغانها از گذشته ها پند و عبرت نگرفته ایم که باز مردم و کشور خود را به بحران تازه

سوق و هدایت نماییم. از همین برادران و فعالین خط دیورند پر سیده میشود که در

شرایط کنونی اولویت های عاجل مردم و کشور ما چه است؟

طرح و تحریک موضوع دعوی شخصت و سه ساله خط دیورند؟

یا صلح، امنیت، قطع جنگ، استقلال، آزادی، حاکمیت ملی، حفاظت و حراست

از ذخایر عظیم معدنی و ثروت های زیرزمینی، جلوگیری از فرار سرمایه ها بخارج کشور،

مبارزه با فساد، اختلاسها، رشوت ستانی ها، تطبیق دموکراسی شفاف، تشکیل يك دولت

کار فهم، صادق و خدمت گار مردم، اعمار زیر بناهای اقتصادی کشور، ایجاد کار برای

اتباع کشور، مبارزه علیه فقر و بدبختی مردم، اعمار بندهای آبی برق و زراعت، نجات يك

ملیون افغان معتاد به مواد مخدر که بار دوش جامعه هستند، عودت و اسکان بیش از پنج

ملیون افغان مهاجر از ایران، پاکستان و سایر کشورها و ده ها مطلب دیگر.

فرض کنیم که خط دیورند و ایجاد لوی افغانستان در صدر اولویت های ما قرار گیرد. این

سوال مطرح میگردد که افغانها قدرت و توانایی پیشبرد این و وظیفه بزرگ و خطیر ملی را

در شرایط کنونی دارد؟ اگر ندارد چه باید کرد؟ و اگر دارد از کدام نقطه حرکت را آغاز و

از کدام راه به کدام سمت حرکت نماییم. باز هم سوال پیدا میشود که از کدام وسایل

باید استفاده کرد. **وسایل نظامی یا مسالمت آمیز؟** در این وقت حساس که افغانستان نه

توان اقتصادی و نه توان نظامی چنین طرحها را دارد و افغانها در پناه کمک های سیاسی،

اقتصادی و نظامی خارجی دست و پا میزنند، و مشکلات عظیم خود را دارد که امنیت

مردم و کشور ما هم در دست قوای خارجی میباشد. راه نظامی به کلی منتفی میگردد زیرا

که ما توان و قدرت نظامی کافی ندا ریم که با دشمن مقابله کند.

راه مسالمت آمیز هم در ۶۳ سال گذشته هیچ نتیجه مثبت ببار نیاورد. برای مبارزات

مسالمت آمیز پول و بودجه زیاد، شبکه های وسیع و ماهر استخباراتی، جلب توافق، حمایت

و همکاری مردم افغانستان، پشتونستان و بلوچستان نیاز است که در پهلوی آن هدف

مشخص شود و برای رسیدن به هدف پلان های دقیق و همه جانبه طرح ریزی شود.

شرایط و امکانات تطبیق پلان‌ها ارزیابی شود که ما قدرت و توانایی تطبیق پلان‌ها را در حال حاضر داریم. توازن قوا در شرایط کنونی به نفع ما است یا به ضرر ما.

نتایج ارزیابی و بررسی‌ها نشان خواهد داد که ما چه کرده‌ایم و چه باید بکنیم. هرپلانی که قابل تطبیق نباشد و یا تطبیق شده نتواند یک خواب و خیال است. پلان‌های خیالی انسانها را بسوی شکست‌ها و ناکامی‌ها سوق و هدایت مینماید. باید متوجه شد که یک اسیر، اسیر دیگر را نجات داده نمیتواند مگر اینکه کل اسیرها به‌یاد خیزند. آیا از مردم پشتونستان و بلوچستان نظر سنجی شده است یا نه، که آنها چه میخواهند؟ میخواهند با افغانستان ملحق شوند یا دولت‌های مستقل خودشان را تشکیل دهند. در چنین اوضاع و احوال نا معلوم طرح و تحریک دعوی خط دیورند در ابهام و تاریکی یک عمل درست و سالم است و یا پیش از وقت میباشد؟ آیا دامن زدن به تحریک چنین دعاوی از موقف ضعیف که افغانستان دارد به کدام نتیجه مثبت منجر خواهد شد یا یک اشتباه می‌باشد. نشود که بخاطر کلاه سراز دست داده شود، زیرا که برای تجزیه افغانستان کار میشود. موضوع خط دیورند یک مسئله بزرگ ملی است و هیچ کس نباید بدون اخذ آراء مردم افغانستان، پشتونستان و بلوچستان چنین تحریکات را دامن بزند. حل مسئله خط دیورند از طریق مسالمت‌آمیز بدون شرکت و همکاری فعال مردمان افغانستان، بلوچستان و پشتونستان حل شده نمیتواند. باید این واقعیت را پذیرفت.

در هر دو طرف خط دیورند روزانه ده‌ها نفر کشته شده میروند، باز هم ما به قاتلان مردم بهانه بدهیم که کشتارهای شان را افزایش بدهند. اگر ما نا آگاهانه و نا خردمندانه در رابط به خط دیورند روی احساسات گام برداریم و با تحریک بیگانگان پل پای جهاد راتعیب کنیم به همان سرنوشت دچار میشویم که تلفات و قربانی‌ها را افغانستان متحمل شدند و از معرکه و تقسیم منافع افغانستان دست خالی برآمدند. اگر ما خانه افغانستان فعلی خود را آباد کرده نتوانیم هیچگاه خانه لوی افغانستان را آباد کرده نمیتوانیم. بهتر است نخست در اعمار و آبادی وطن تخریب شده اصلی خود اقدام نماییم و در کمین باشیم،

هرزمانیکه فرصت مساعد شد درآبادي لوي افغانستان گامهاي سنجيده و متين برداريم. تا جاييكه دیده میشود آقای کرزي هم از مسير ملي به بيراهه قدم نهاده، بعوض اينکه با رقبای سياسي خود وحدت و اتحاد ملي سراسري کشور را تشكيل ميداد تا با حوادث خونين افغانستان با قوت ملي سراسري مشترکاً برخورد میکردند و افغانستان را از جنگ و خون ريزي نجات میدادند و يك دولت متحد ملي را تشكيل میدادند. در عوض با دشمنان قسم خورده و قاتلين مردم افغانستان و دست پرورده هاي ميراث خور استعمار کهن که مخالف سرسخت خط ديورند هستند سر سازش را در پيش گرفته، ميخواهد جبهه متحد را همراه شان تشكيل بدهد و دولت خود را از سقوط احتمالي که از آن ترس و هراس دارد نجات داده و زمينه را براي يك دوره ديگر رياست جمهوري خودرآينده فراهم سازد و از تاکتيک دوره رياست جمهوري آقای رباني استفاده و پيروي نمايد. از سفر هاي کاري آقای کرزي معلوم میشود که اکثريت سفرهايش بصوب جنوب و شرق بوده به افغانستان مرکزي، شمالي، شمال شرقي و شمال غربي کمترین و يا هيچ سفرهاي کاري نداشته با مردم از نزديک ديدن نکرده و از حال و احوال هموطنان هزاره، تاجک، ازبک، ترکمن و ساير اقوام افغانستان خود را حالي و آگاه نساخته است و به مشکلات، خواستها و پيشنهادهای شان گوش نداده است. خود آقای کرزي بايد فکر کند که رئيس جمهور کل افغانستان است يا ازچند منطقه خاص افغانستان. آیا اين بي تفاوتی ها و سياست يك بام و دو هواي آقای کرزي به سرنوشت آينده افغانستان چه تأثيرات منفي و يا مثبت بجا خواهد گذاشت؟ امید ميرود که دربارہ موضوعات داغ افغانستان علماء، دانشمندان، حقوق دانان غيروابسته و مستقل و از همه اقوام کشور و رهبران احزاب سياسي غير سبسايدی خور و پيش آهنگان جوانان افغانستان دعوت شوند تا در يك کمیون مشورتی جمع شوند و دربارہ قضايای جاري و آينده کشور و طرح دعوي خط ديورند مشوره بدهند که چه بايد کرد، و به کدام مرجع تصميم گيري راجع ساخته شود تا در باره آنها تصميم بگيرند. تا زمانیکه مسايل و کارها سازمان داده نشود از کارهاي خود بخودي نتايج مطلوب بدست نمي آيد. موضوع

خط دیورند با احساسات و شعارها حل شده نمیتواند. اگر تصامیم سرنوشت ملی به حلقه‌های افراطی واگذار شود سرنوشت مردم و کشور افغانستان به بیراهه کشانیده میشود که کفاره آنرا باز هم مردم با خون و جان شان خواهند پرداخت. افغانها باید هر طرح، پلان و عواقب هر عمل شان را از قبل بر مبنای علم، عقل و تدبیر و تناسب قوا تحلیل، ارزیابی و سنجش نمایند و بعداً خواسته‌ها و پیشنهادات شان را بمراجع با صلاحیت ملت ارجاع نمایند و منتظر فیصله و هدایت شان باشند. از هر نوع عمل بدون سنجش و احساساتی و تحریکات شخصی و خودسرانه در باره مسایل ملی باید پرهیز شود.

با عرض حرمت و احترام .

۱۹ قوس ۱۳۸۹